

فرش دستبافت خراسان

فضل الله حشمتی رضوی
پژوهشگر فرش و هنرهای صناعی

مقدمه

فرش دستبافت خراسان با دارا بودن سهم در تولید فرش کشور، گرچه تنوع چشمگیری در نقش، رنگ و بافت دارد ولی در مجموع از همسانی خاصی بهره می‌گیرد. هدف و مقصود نهایی از این مقاله، ارتقای هنر فرش خراسان با استفاده از یک روش ساده و مردمی به جهت برطرف کردن بیماری جفتی‌بافی و چند چین یک پود در منطقه جنوب خراسان است که در زمانه ما دامنه شیوع آن اکثر منطقه را فراگرفته است. تشریح این بیماری و راه علاج آن پس از ذکر پیشینه تاریخی و ویژگیهای هنر فرش این سامان به عمل آمده است. براساس روش پیشنهادی استفاده از نظام «حلقه‌های کیفیت» به جهت رشد بهره‌وری که در سالهای اخیر اعجاب جوامع غرب را برانگیخته است موجب تشویق تولیدکنندگان خانگی می‌شود تا برای شناسایی، تحلیل و برطرف کردن نواقص و اشتباهات خود و غنا بخشیدن به زندگی شغلی به دیدار یکدیگر بروند و تولیدات خود را واریسی، کنترل و به تبادل نظر بپردازند. اجرای این روش، که نوعی دلجویی از همکاران و عیادت آنها است در فرهنگ اسلامی نیز توصیه شده است و با امکانات منطقه سازگار است. با

اجرای روش پیشنهادی، برطرف کردن آفتهای موجود در بافت فرش خراسان مورد انتظار است و همتی بدرقه راه باید کرد.

پیشینه فرش در خراسان

تاریخ بافت فرش پرزی و گره‌دار در خراسان به‌درستی معلوم نیست و مبهم است. در ۱۹۶۱م قدیمی‌ترین تکه فرش پرزدار خراسانی، که تا به حال شناخته شده است، در بین منسوجات دیگر از حفاریهای شهر قومس خراسان^۱ به دست آمد. بلافاصله بعد از زدودن گل‌ولای این قطعه بی‌قواره نگهداری و آزمایش بر روی آن در موزه متروپولیتن نیویورک آغاز شد و این تکه برای نمایش در کنفرانس بین‌المللی فرش شرقی (ICOC) به موزه انسان‌شناسی لووی دانشگاه کالیفرنیا در برکلی قرض داده شد.^۲ به گزارش هالی، نشریه تخصصی فرش، منسوجات شهر قومس خراسان، که مربوط به دوره ساسانی است، موجب بهت همه فرش‌شناسان شده است.^۳

از این منسوج پرزی خراسان که بگذریم به نوشته‌هایی که حاکی از رواج صنعت فرش در خراسان است برمی‌خوریم؛ محمد بن احمد بن مقدسی یکی از جغرافی‌نویسان بزرگ جهان اسلام است. او در کتاب *احسن‌التقاسیم فی معرفة الاقالیم* در قرن چهارم ق به رواج صنعت فرش در قهستان (قاینات) اشاره می‌نماید و فرش این ناحیه از خراسان را «سجاده‌ای» ذکر می‌کند.^۴ در تاریخ بیهقی ابوالفضل بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ ق) شماره هدایایی را که علی بن عیسی از خراسان برای هارون‌الرشید فرستاده در کل به دوست خانه قالی شماره می‌کند.^۵ مؤلف ناشناس کتاب *حدودالعالم* (تألیف شده در ۳۷۲ ق) وجود بافته‌هایی را در بخارای خراسان دیده است از جمله «بساط» نظیر آنچه در فارس، سیستان و طبرستان می‌بافند.^۶ ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ ق) در سفرنامه خود هنگام عبور از شهر فردوس خراسان از «چهارصد دار بافندگی» روایت می‌کند.^۷ تابلوهای مینیاتوری^۸ باقی‌مانده از زمان تیموریان (۹۱۱-۷۷۱ ق) در مرکز خراسان آن موقع یعنی شهر هرات اکثراً مزین به نقوش قالیچه‌های نفیس با طرحهای هندسی، اسلیمی و لچک و ترنج است که این خود مبین وجود بافت قالی در آن نواحی است. گرچه دکتر دیاموند مولف کتاب *راهنمای صنایع اسلامی*^۹ و سیسیل ادواردز مؤلف کتاب *قالی ایران* چنین اعتقادی ندارند.^{۱۰}



در نیمه قرن هشتم هجری، دربارهٔ قالیبافی خراسان روایتی از تیمور لنگ در دست است که بیشتر به افسانه شبیه است؛ زیرا به نظر می‌رسد دربارهٔ قالیبافی اغراق کرده است. او هنگام محاصره شهر سبزوار در کتاب *منم تیمور جهانگشا* گفته است: «... به من گفته بودند که در سبزوار، سیصد هزار کارگر در کارخانه‌های قالیبافی به کار مشغول هستند و آنجا بزرگ‌ترین مرکز قالیبافی دنیا است من نمی‌توانستم باور کنم که سبزوار سیصد هزار کارگر قالیباف داشته باشد ولی می‌دانستم که در دنیا مکانی نیست که بیش از سبزوار در آن قالی ببافند».^{۱۱} اگر این گفته تیمور حقیقت داشته باشد آمار قالیبافی در سبزوار شگفت‌انگیز است. ابن بطوطه، جهانگرد مراکشی، (۷۷۹-۷۰۳ ق) هم در سفر به مشهد روی ضریح مطهر حضرت امام رضا علیه‌السلام فرشهایی دیده است که به گمان، بافت مشهد یا یکی از شهرهای خراسان است.^{۱۲}

در دوره صفویه، (۱۱۳۵-۹۰۷ ق) که دوران شکوه و اعجاب هنر قالیبافی ایران است، خراسان هم از این رونق بی‌نصیب نماند و نمونه‌هایی هم‌اکنون در موزه فرش آستان قدس رضوی به معرض نمایش گذاشته شده است. به گزارش آدام اولناریوس، جهانگرد خارجی که در دوره صفویان به ایران سفر کرده است، بهترین قالیهای ایران در هرات بافته شده است.^{۱۳}

سرانجام به ابتدای قرن حاضر می‌رسیم که به اعتباری نقطهٔ اوج قالیبافی خراسان فرا می‌رسد. در این زمان است که استادکاران نظیر عمو اوغلی، مخملباف، خامنه‌ای، صابر و چند نفر دیگر کارگاههایی در مشهد دایر می‌نمایند و نفیس‌ترین قالیها، بافته می‌شود که در کل قالیبافی ایران کمتر سابقه داشته است. آثار این دوره از فرش خراسان که هم‌اکنون در موزه فرش ایران، موزه ملی ملک^{۱۴} و موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود از مواریت والای فرهنگی و هنری کشورمان است.

کانونهای بافندگی در خراسان

مشهد- فرش مشهد مقاوم و پرگوشت و پرزهای بلند دارد. طرحهای فرش در این شهر بیشتر افشان و لچک ترنج و حاشیه پرنفش و نگار است. متن قالی مشهد بیشتر به رنگ لاکه سیر است و ترنج و لچک آن به رنگ لاجوردی. واحد بافت قالی در مشهد و سایر شهرهای خراسان «مقاط»

است (مقاط برابر با ۱۲۰۰۰ گره است و هرچه سطح کمتری را دربرگیرد مرغوبیت فرش بیشتر می‌شود) در این شهر، آستان قدس رضوی علاوه بر تأسیس شرکتی در زمینه تولید فرش، موزه‌ای هم برای فرشهای نفیس و تاریخی خود برپا کرده است. در مشهد، گره غیرمقارن (فارسی) و گره مقارن (ترکی) معمول است.

بیرجند- از نظر بافت، به فرش مشهد شباهت دارد. نقشه‌های رایج در بیرجند، غالباً ریزه‌ماهی، بته جقه و لچک و ترنج است.

قاین- از کانون‌های قدیم قالیبافی ایران است. در این ناحیه، طرح هراتی استفاده می‌شود. طرح‌های دیگر این شهر ریزه‌ماهی، بته جقه‌ای و ربعی سعدی است.

درخش و مود- دو روستا با معروفیت جهانی، درخش در بیرجند و مود در قاینات است. معمولاً درخش با طرحهای ریزه‌ماهی و مود با طرحهای بته جقه‌ای است. از این دو بخش، فرشهای ظریف و موزه‌ای موجود است.

کاشمر- نقش رایج در قالیبافی این شهر زیرخاکی است. قبلاً بافت فرش در کاشمر نامرغوب بود ولی حالا بهتر شده است.

محولات- نقش قالیهای محولات غالباً بندی است با نامهای حسن قاضی و ورامین و به رنگهای لاک‌ی.

ترت حیدریه و تربت جام- اینجا محل استقرار بخشی از عشایر تیموری و بلوچ است که قالیچه‌های تیموری و بلوچی می‌بافند. این قالیچه‌ها با گره غیرمقارن (فارسی) است.

طبس و فردوس- شهرت این دو ناحیه به بافت قالیچه عربی است که با گره فارسی بافته می‌شود. گناباد- تولیدات قالیبافی این محل معمولاً قالیچه است.

درگز، بجنورد، شیروان و قوچان- دستبافت‌های گونه‌گونی به‌ویژه بافت قالیچه کردی در این چهار شهر تولید می‌شود که از نظر نوع پشم، نقشه و رنگ‌آمیزی شهرت دارند. در قسمتهایی از این چهار شهر، قالیچه ترکمنی هم بافته می‌شود.



نیشابور و سبزوار- در این دو شهر، طرحهایی با افشان سراسری یا لچک و ترنج کف ساده بیشتر بافته می‌شود. بزرگ‌ترین قالی جهان در محلی در نزدیکی نیشابور برای مسجدی در عمان بافته شده است.

نام‌آوران و استادان فرش خراسان

در خراسان نام تعدادی از نام‌آوران فرش دستبافت اعم از طراحان و استادکاران بر سر زبانهاست. دریغ که قلم ثبت به همه آنها دسترسی نداشته است. همراه با سلامی گرم و درودی خالصانه از آنان نام می‌بریم:

عمواوغلی، صابر، خامنه‌ای، مخملباف، ششکلانی، حاج عبدل، قاضی‌خانی، غیوری، خدیوی، ارباب، کیانفر، حیدرپور، اخوی، سخاوتی، علوی، علی مدد، کشمیری، شیخ پورنگی، زرینه، شوشتری، نادری و درخشی از استادکاران مشهد هستند. طراحان شهر عبارت‌اند از: عبدالحمید صنعت‌نگار، محمدحسین فخرالواعظین مهدوی، سیدمحسن صانعی، حسن زرین‌کلک، علی‌اکبر طرحچی، احمد بهبودی، محمدحسن شهیدی، محمد شالبافان، اصغر زورمند، محمد حسینی، علی‌پور، مهدوی، برزگر، غیوری، جواهر قلم، مهدی یزدی، جواد ایرانی، غلامرضا شالچی، احمد معروفی، جعفر خرازی، احمد حسینی‌پور قانی.

از شهرستانها، نام استاد محمد زهرایی در بیرجند، استاد علیپور در کاشمر، عباس صدوقی در گناباد، فتحی در طبس، فکور در نیشابور بر سر زبانهاست.

چالشها و تنگناهای صنعت فرش خراسان

ورود مواد اولیه نامرغوب به‌جای پشم مرغوب خراسان، رواج نقشه‌های غیربومی، آموزشهای کم و حتی غلط قالیبافی، پرداخت دستمزدهای متفاوت، بوروکراسی کند و غیرفعال نیروهای پشتیبانی عوامل تولید، اشکال در نظام توزیع مواد اولیه، انگیزه نداشتن قالیبافان و طراحان، بی‌نظمی بازار فروش، وجود بازرسان غیرماهر، کمبود کارشناس و ارزیاب گمرک در مرزهای استان و از همه

مهم‌تر موضوعی که باعث رسوایی فرش خراسان شده است وجود دو نوع تقلب است که کیفیت فرش را تنزل داده است. این دو، یکی «گره جفتی» و دیگری «چند چین یک پود» است. گره جفتی: یعنی گرهی که به جای بسته شدن به دور دو تار، به دور چهار یا شش تار بسته شود. در شمارش تارها اگر آنها را از سمت چپ در نظر بگیریم نخستین ریشه می‌باید بر تارهای یک و دو و دومین ریشه بر تارهای سه و چهار گره بخورد ولی در جفتی بافی، اگر مبنای کار، گره چهارتاری باشد، برای صرفه‌جویی، نخستین ریشه بر تارهای یک، دو، سه و چهار و دومین ریشه بر تارهای پنج، شش، هفت و هشت گره می‌خورد و به این ترتیب، در یک ردیف عرضی، در مقیاس هشت تار، به جای چهار گره معمولی دو گره جفتی زده می‌شود که این شمار در مقیاس یک ردیف در سراسر عرض مثلاً به جای ششصد گره سیصد گره خواهد بود. فرشی که با این‌گونه گره بافته شود نصف ریشه‌های لازم را خواهد داشت و به‌علت کمبود، تراکم گره پشم را دربردارد؛ وزن قالی کمتر می‌شود، زیبایی و دوام آن کاهش یافته می‌یابد و فرسودگی آن زودرس خواهد بود. با توجه به اینکه زیبایی و دوام، دو عامل بزرگ برای فرش دستبافت است، گره جفتی به این هر دو عامل لطمه می‌زند.

شناخت گره جفتی، پس از پودکشی از پشت یا روی قالی کاری است دشوار، در این مورد، تنها وسیله برآورد آن‌هم به‌طور غیردقیق، لمس کردن قالی است. سبکی غیرمعمول فرش نیز از جمله راههای شناخت جفتی بافی است؛ البته گره جفتی منحصر به جنوب خراسان نیست در چند کانون بافندگی از جمله همدان هم این عیب سرایت کرده است ولی بافندگان خراسانی برای اینکه بافت معیوب خود را بپوشانند و به حساب خودشان رندی کرده باشند به راههای مختلف از جمله ضخیم کردن پودها و کم زدن ضربات دفتین مبادرت می‌ورزند تا از عیب بالازدگی که بر اثر پوکی فرش، که آن هم بیشتر از کاربرد گره جفتی، حاصل می‌شود و در نتیجه کاهش طول فرش را همراه دارد جلوگیری کنند ولی تمام این راهها، بی‌فایده است. بافت معیوب، معیوب است و احتیاج به رندی ندارد و جلوی هر نوع تقلب را باید گرفت.

چندچین یک پود: در عرف قالیبافی پس از هر رج بافندگی، یک پود نازک در عرض فرش عبور داده می‌شود تا بافت فرش استحکام یابد. در شیوه‌ای که در برخی نقاط جنوب خراسان



معمول است و اخیراً به نواحی مرکزی و شمالی خراسان نیز سرایت کرده است حذف پود نازک پس از هر رج بافندگی است شیوه این تولیدکنندگان عبور پود نازکی پس از بافت چندچین است که حتی بیش از هشت رج هم می‌رسد. بدیهی است که این روش موجب اختلال در کار بافت فرش می‌شود و فرش هرگز استحکام معمولی را نخواهد داشت. شناخت تقلب چندچین یک پود بسیار آسان است و این عیب از پشت فرش قابل شناسایی است.

سامان‌پذیری، راه چاره چیست؟

صنعت فرش دستبافت خراسان در حال حاضر دستخوش مسائلی است که چنانچه علاج نشود طولی نمی‌کشد که از هم خواهد پاشید. عامل تهدیدکننده فرش این استان نبودن ضوابط دقیق و کنترل نکردن بافت و نادیده گرفتن هویت فرش این خطه در سه زمینه نقش، رنگ و بافت از سوی دست اندرکاران بخش خصوصی و بخش تعاونی است. برای علاج این درد از مسائل موقتی و موضعی می‌گذریم و به اصول و ریشه‌ها می‌پردازیم. مسئله اساسی در این منطقه تنزل کیفیت تولید فرش است.

در زمینه کیفیت فرش دستبافت تعریف مشخصی وجود ندارد؛ زیرا کیفیت امری ارزشی است و فرش هنری صناعی است که کیفیت آن باید با شرایط مطلوب و مورد انتظار مطابقت داشته باشد. فرش دستبافت دارای چند مشخصه است که یکی از آنها «رج‌شمار» وجه مشخصه برجسته فرش است این مشخصه برجسته به همراه صفات دیگر مثل (مواد اولیه استاندارد شده و ترکیب مناسب آن در بافت فرش، بی‌عیب بودن بافت، به‌ویژه عاری بودن از جفتی‌بافی و بی‌گره‌بافی همچنین طرح زیبا، اصیل و بدیع، رنگ ثابت و کاربرد به‌جا و مناسب آن در طرح و بالاخره در یک کلام حسن آمیختگی در ریخت، فرم و ساختار) مجموعه ویژگیها و کیفیت یک فرش را تشکیل می‌دهد.^{۱۵}

برای تقویت و ارتقای کیفیت فرش در استان خراسان به‌نظر می‌رسد علاوه بر بسیج عمومی کلیه نهادهای فرش در این استان آموزشهای لازم طبق برنامه‌ای گسترده، ضروری است علاوه بر آن، نظام (حلقه‌های کیفیت)^{۱۶} باید در کلیه کارگاههای فرش تشکیل شود.

نظام حلقه‌های کیفیت: این روش بالا بردن کیفیت و رشد بهره‌وری که در سالهای اخیر اعجاب جوامع غرب را برانگیخته است در قلمرو صنعت فرش ایران هم اجراکردنی است. براساس تعریفی که از این مفهوم کرده‌اند: «هر حلقه کیفیت، گروه کوچکی از نیروهای انسانی همکار است که به‌طور منظم و داوطلبانه، هفته‌ای چند ساعت در حین کار هفتگی برای شناسایی، تحلیل و حل مسائل و روش کار خود گرد هم می‌آیند و برای پیشبرد عملکرد و غنا بخشیدن به زندگی شغلی و رفع معایب فراورده خود به تبادل نظر می‌پردازند.» بر این اساس، هسته کنترل کیفیت ابتدا از گروه کوچکی، که از همکاران این رشته صنعتی است، شروع می‌شود که به‌صورت داوطلبانه فعالیتهای هم‌دیگر را کنترل می‌کنند و زیر سؤال می‌برند. بدیهی است برای اطمینان خاطر بیشتر، بازدیدهایی هم از طرف هیئت‌های فنی کنترل‌کننده به‌عمل خواهد آمد و نواقص هر مرحله از فرایند تولید را یادآور و مرتفع خواهند کرد. بنابراین، اولین قدم از برنامه کنترل کیفی و بهبود خود و آموزش متقابل تشکیل حلقه‌های کیفیت متشکل از نیروهای انسانی همکار است. ممکن است ایراد گرفته شود که صنعت فرش خیلی پراکنده است و اکثراً به‌طور تک‌بافت در خانه‌های روستایی قالی می‌بافند. پاسخ روشن است در فرهنگ اسلامی ما ایرانیان، رفتن به خانه بستگان و همکاران ضمن دیدار و احوالپرسی هم‌دیگر و رسیدن به وضع کار و زندگی و احیاناً دلجویی و عیادت سفارش بسیار شده است و این کار نه تنها تازگی ندارد بلکه در گذشته به‌نوعی عمل می‌شده است. فقط باید روش این دیدارها و طرز نشست و برخاست همکاران را به‌سوی هدف و مقصودی که ما از آن اراده می‌کنیم تغییر داد. هدف، راهنمایی کردن به‌جهت پیشبرد عملکرد و غنا بخشیدن به زندگی شغلی است. بدیهی است در برخی موارد این راهنمایی ممکن است به شماتت کردن و در موارد حاد حتی به جلوگیری از فردی که به تقلب در بافت قالی متوسل می‌شود بینجامد. هم‌افزایی و هم‌کوشی مثبت که در کارگاههای فرش ایجاد می‌شود یک نوع «یگانگی» به‌وجود می‌آورد. یگانگی از مشخصات بارز گروه کنترل کیفی است. افراد برای حفظ یگانگی باید خود را متعلق به گروه بدانند نه وابسته به آن و به‌معنای واقعی در ارتقای کیفیت و بررسی مشکلات مختلفی که فرا راه کیفیت است از زوایای مختلف مشارکت عملی



داشته باشند. مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی کلیه اشخاصی است که در یک رشته با هم کار می‌کنند.

نتیجه

هنر و صنعت فرش خراسان حاصل دستهای پرتوان زنان و مردان خراسانی است که از این راه ارتزاق می‌کنند. براساس آمارهای نه چندان دقیق که نهادهای فرش استان تهیه کرده‌اند در خراسان حدود دارهای قالیبافی ایران وجود دارد که تولید آنها حدود دو میلیون مترمربع در سال است.^{۱۷} تنوع فرشبافی و صنایع دستی خراسان در مجموع همسانی خاصی دارد که تجلی‌گاه فرهنگ، مناسبات و شئون عیدیه‌ای است که به مرور طی نسل‌های متمادی بر مبنای این خاستگاه شکل گرفته‌اند. این شکل‌گیری و همخوانی به یقین ارتباطی به تقسیم‌بندی سیاسی اعم از برون‌مرز و درون‌مرز نخواهد داشت. بدیهی است تقسیم‌بندی کشور هم به‌طریق اولی (مثل طرحی که همین اواخر برای چند استانی کردن منطقه خراسان در مجلس مطرح شد) تأثیری در همخوانیهای هنری و فرهنگی خراسان و مفهوم بزرگ خراسان و «خراسانیان» نباید داشته باشد؛ زیرا مرزهای فرهنگی و عاطفی خراسان همیشه پابرجاست و خراسان همیشه «خورآیان» است و خورشید و نور همیشه از او جاری است. چقدر فخرالدین اسعد گرگانی این مفهوم را خوب معنی کرده است:

خراسان را بود معنی خورآیان کجا از وی خور آید سوی ایران^{۱۸}

بافت نامناسب و تقلبی جفتی‌بافی در جنوب خراسان که موجب بی‌آبرویی فرش این منطقه شده است با سنت دیرین فرش‌بافی در این استان همخوانی ندارد. سنت فرش خراسان در بافت بهینه و مقاوم با استفاده از نقشه‌ها و پشمهای مرغوب همین منطقه بوده است. این سنت باید احیا و ترویج شود تا فرش خراسان، بوی خراسان، که پاکی و اصالت است، مشامها را معطر کند. یاد شاعر قرن ششم سیدحسن غزنوی بخیر که بوییدن نسیم جانبخش خراسان را موجب زنده شدن و بالندگی می‌داند:

هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد
چون دم عیسی در کالبدم جان آرد
دل مجروح مرا مرهم راحت سازد
جان پر درد مرا مایه درمان آرد^{۱۹}

پی‌نوشت‌ها

۱. راجع به شهر قومس یا کومس بنگرید به مقاله دکتر احمد موسوی در کتاب *بناها و شهر دامغان* نشر فضا، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۳-۲۰.
۲. منسوجات شهر قومس را Trudy Kawami مشاور هنرهای باستانی بنیاد آرتور ساکلر بررسی کرده است.
۳. *مجله هالی*، شماره ۵۹، اکتبر ۱۹۹۱، برگردان به فارسی دکتر کیخسرو و سبحه، *مجله فرش ایران*، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۴.
۴. محمدبن احمد مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱، ص ۴۷۶-۴۷۵.
۵. ابوالفضل بیهقی، *تاریخی بیهقی*، به تصحیح دکتر علی‌اکبر فیاض، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۶، ص ۵۳۸ و ۵۹۷.
۶. مؤلف نامعلوم، *حدود العالم من المشرق الی المغرب*، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران، طهوری، ۱۳۶۲، ص ۱۰۹.
۷. حکیم ناصر خسرو قبادیانی، *سفرنامه*، به تصحیح دکتر سید محمد دبیرسیاقی، چاپ زوار.
۸. یکی از این تابلوها تصویر نسخه خطی *خمسه نظامی* است که در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شد.
۹. س. م. دیمانده، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۳۶، ص ۲۶۰.
۱۰. سیسیل ادواردز، *قالی ایران*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۵۷، ص ۱۸۷.
۱۱. مارسل بریون، *منم تیمور جهانگشا*، ترجمه و اقتباس ذبیح‌الله منصور، تهران، کتابخانه مستوفی، چاپ ۱۳۷۴، ص ۴۹ و ۶۹.
۱۲. ابن بطوطه مراکشی، *سفرنامه*، ۱۳۴۸، ص ۴۴۱.
۱۳. ویلسون ج کریستی، *تاریخ صنایع ایران*، ترجمه عبدالله فریار، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۶، ص ۱۹۲.
۱۴. کتابخانه و موزه ملی ملک یادگار ارجمند حاج حسین آقا ملک مرد نیکوکار خراسان است که در سال ۱۳۱۶ وقف آستان قدس رضوی شد و ساختمان جدید التأسیس آن در دی ماه ۱۳۷۶ در تهران گشایش یافت.
۱۵. فضل‌الله حشمتی رضوی، *فرش ایران*، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۳۴.
۱۶. ایرج سلطانی، «مدیریت کارگاهی در حلقه‌های کیفیت»، *مجله مدیریت*، ناشر انجمن مدیریت ایران، شماره ۲۵.
۱۷. برای آگاهی بیشتر از آمار فرش خراسان و ایران نگاه کنید به *فرشنامه ایران* تألیف فضل‌الله حشمتی رضوی و دکتر حسن آذریاد، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲، ص ۴۳۲-۴۲۴، نیز رک. تورج ژوله، *برگی ازقالی خراسان*، تهران، شرکت سهامی فرش ایران، ۱۳۷۵، ص ۱۹-۱۴.
۱۸. فخرالدین اسعد گرگانی، *ویس و رامین*، با مقدمه و تعلیقات محمدجعفر محجوب، تهران، نگاه نشر اندیشه، ابن‌سینا، ص ۱۲۸.
۱۹. سیدحسین (اشرف) غزنوی، دیوان او به‌همت والای استاد بزرگوار و فرزانه خراسان مرحوم سیدمحمدتقی مدرس رضوی تصحیح و مقابله شده است.